



۲۰۱۳/۱۱/۱۷



فرزانه فارانی

سر زمین مرد خیز؟...

در این اواخر لیست پنج هزار نفر از فهرست ۱۲ هزار تن قربانیان افغانستان که در سال های اول کودتای ثور و حاکمیت احزاب خلق و پرچم، به شهادت رسیده اند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و کار های جدی و بحث های جالب در رسانه های مختلف، توجه همه را به خود جلب نموده است.

درین میان مطلب پر ارزشی از آقای عبدالرحمن زمانی تحت عنوان لیست ۱۲۶۰ قربانی قتل عام قریه کرهاله در ولایت کنر توجه مرا جلب کرد که از هر نگاهی قابل قبول، دقیق و می توان گفت بسیار عالی بود. اما در یک جا به نکته یی بر خوردم که نباید از سر آن به سادگی گذشت. ازین رو می خواهم از آقای زمانی و هم از دست اندرکاران پورتال افغان جرمن آنلاین بپرسم که:

- کجا سرزمین ما مرد خیز است؟ مگر این مردان را زنان تولد نمی کنند که تمام سرزمین را دو دسته به مردان می بخشید؟ و سرزمین مرد خیز لقب می دهید؟
- چرا این سرزمین زن خیز نیست؟

آیا می دانید ما در کدام موقعیت زمانی و مکانی هستیم که هنوز و همیشه مرد بودن و مرد خطاب کردن باید افتخار داشته باشد و جزء صفات مثبت به حساب رود؟ اگر این القاب را روحانیون تنگ نظر و مرد سالاران افراطی به خودشان می بخشند که روشن است. اما روشنفکر با دانش و با سواد چرا به خودش و دیگران این جفا را روا می دارد و ریشه های تنگ نظری و حقارت فرهنگی را به مغز خود و نسل های بعدی فرو می برد؟

از گردانندگان پورتال افغان جرمن آنلاین صمیمانه خواهشمندم زمانی که در ممانعت از کلمات و اصطلاحات بیگانه توجه جدی دارید چرا به این گونه طرز فکر کردن های حقیرانه و کوچک منش نیز توجه نمی نمایید؟ زیرا امروز من و هم جنسان زیاد دیگرم خوشبختانه از جنس خود خسته و بیزار نیستیم و بدان افتخار هم می کنیم.

من زنانه تولد شده ام
زن می مانم
و زنانه نفس می کشم
«با سرود تلخ مظلومیت»
از گذشته ها

از گذشته ها رها شدم
قد کشیدم
میان سینه های تنگ تنگ
مردمان شهر تاریکی
سرود زندگی شدم
نمود رهبری شدم
بیا مرا بپذیر
زنانه بودن من را برایت حالی کن

با تأثر و تأسف تعدادی از نسل قبل تر از من سرودی از مسحور جمال را که شعرش از سیمان لایق بود، مخصوصاً در دوران رژیم خلق و پرچم عاشقانه پذیرفته بودند. آهنگی که توسط گروپ پیشاهنگ و سازمان جوانان همان زمان بازخوانی شد و بارها و در هر جا و هر مکانی در گوش ها طنین انداز بود.

درین وطن درین زمین و آسمان

درین دیار مرد خیز باستان

این تنها سیمان لایق آن نسل گذشته نیست (که اگر از دیگر اعمال و نظریاتش درین مختصر بگذریم) که این گونه فکر می کند حتی همه اعضای کمیته مرکزی حزب دیمکراتیک افغانستان که ظاهراً به تساوی زن و مرد اعتقاد داشتند و گویا در افغانستان تحول کیفی و بنیادی را رونما نموده بودند نیز مستثنی نبودند. مرد های امروزی و همچنین بهترین و راستکار ترین شان و حتی بسیاری از زنان امروزی خواسته و ناخواسته پشت ضمیر شان این مرد سالاری نهفته است. مثلاً بسیار شنیده و خوانده ایم وقتی از زنی و آنهم برای تمجیدش حرف می زنند می گویند "فلان زن چنان مردانه حرف می زند" . . . و یا که "فلان زن، زن مردانه صفت است". و به اضافه آن جالبتر از همه این است که می گویند: بیا مردانه حرف بزنیم . . . مردان نسل های مختلف از سرزمین ما با وجود سواد و دانش و تجربه های مهاجرت به اروپا و امریکا حتی آنانیکه به آزادی زن اعتقاد دارند و دم از دیموکراسی و احترام به آزادی فردی دارند دانسته یا ندانسته چنان دچار تاریک اندیشی و افکار ضد زن می گردند که حتی ملا امامان مساجد در مقایسه با آنان آدم های دور اندیش و با آزادی فکری بهتری به نظر می رسند.

دیگر وقت آن رسیده است که ما به خود و ضمیر خود تسلط داشته باشیم. افکار ضد بشری و ضد زن را و هر آن چیزیکه تاریخ گذشته و فرسوده شده است از افکار خود دور سازیم.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ